

هفت سال تئینی هنر ایران

دکتر یعقوب آژند

استاد دانشگاه تهران

www.ketab.ir

سرشناسه	: آزند، یعقوب، ۱۳۲۸ -
عنوان و نام پدیدآور	: هفت اصل تزیینی هنر ایران/ یعقوب آزند.
مشخصات نشر	: تهران: پیکره، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	: ۲۱۶ص: مصور (بخشی رنگی)، ۱۴/۵×۲۱/۵سم.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۶۷۲۸-۳۵-۳
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتابنامه
موضوع	: هنر ایران -- تاریخ
رندگی کنگره	: N ۷۲۸۰/۲۴۵۷ ۱۳۹۳
رده‌بندی دیوپی	: ۵۵:۷۰۹
شماره‌ی کتابشناسی ملی	: ۲۵۴۲۳۲۶

(پیکره)

هفت اصل تزیینی هنر ایران

نویسنده: دکتر یعقوب آزند

مدیر هنری: خشایار فهیمی

صفحه‌آرایی و طرح روی جلد: آیدین قشلاقی

لیتوگرافی: نقش سبز

چاپ و صحافی: چاپ مبینا

چاپ نخست: ۱۳۹۳

شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه

قیمت: ۲۲۰۰۰ تومان

نشر پیکره: تهران، خیابان آزادی، ابتدای خیابان آذرینجان

پلاک ۱-۳۴، واحد ۵، تلفن: ۶۶۰۳۸۴۱۹ - فاکس: ۶۶۰۳۸۴۲۶

www.peikarhpub.ir

E-mail: info@peikarhpub.ir

پیش از هر چیز	۷
فصل اول:	۱۳
مبانی نظری دو قلم	۱۳
سیر تکوینی قلم‌نی	۱۵
سیر تکوینی قلم‌مو	۲۴
اصول هفت‌گانه	۳۹
فصل دوم:	۴۵
اصل اسلیمی	۴۵
اصل اسلیمی در متون	۴۷
انواع اسلیمی	۵۲
شکل اسلیمی	۵۴
فصل سوم:	۵۷
کاربردهای گوناگون اسلیمی	۵۷
معماری	۵۸
هنرهای صناعی	۶۷
نگارگری (تذهیب، تصویر و تجلید)	۸۰
اسلیمی در یک نگاه	۹۴
اصل ختایی	۹۷
اصل ختایی در متون	۱۰۰
نقش ختایی در آثار هنری	۱۰۶
اصل ختایی در یک نگاه	۱۰۹
فصل پنجم:	۱۱۱
اصل فرنگی	۱۱۱
اصل فرنگی در متون	۱۲۱
ایران و فرنگ	۱۲۲
نقش فرنگی	۱۲۶
فصل ششم:	۱۳۳
فضالی نیلوفر	۱۳۳
اصل فضالی در متون	۱۳۶
نیلوفر	۱۳۸
اصل فضالی و نیلوفر در یک نگاه	۱۴۳
فصل هفتم:	۱۴۵
اصل ابر	۱۴۵
اصل ابر در متون	۱۴۷
اشکال ابر در نگارگری	۱۴۸
اصل ابر در یک نگاه	۱۵۹
فصل هشتم:	۱۶۱
اصل واق	۱۶۱
اصل واق در متون	۱۶۶
اصل واق در نگارگری و کتاب‌آرایی	۱۶۷
اصل واق در یک نگاه	۱۷۸
فصل نهم:	۱۸۱
اصل بند رومی (گره)	۱۸۱
اصل بند رومی در متون	۱۸۷
بند رومی در کتاب‌آرایی	۱۸۸
اصل بند رومی در یک نگاه	۲۰۱
منابع اصلی / تحقیقات جدید / منابع لاتین	۲۰۳
نمایه	۲۰۶

پیش از هر چیز

حضور مغولان در جهان ایران اگرچه بهت و سکوت و استیصال انسان‌ها را در پی داشت، بعضی تحولات را نیز برانگیخت و پایگاه‌های اجتماعی و جهانی موجود را در هم ریخت و دو جهان شرق و غرب را فراز آورد و رو در روی هم قرار داد. با فروپاشی خلافت عباسی، یکپارچگی جهان اسلام به لحاظ سیاسی و فکری به هم خورد و پیوندهای جدید، با ساز و کار جدید پدید آمد. از جمله این پیوندهای جدید در قلمرو هنرها بود و آن را در توضیح پیشرفت و قدرت قرار داد. ارباب هنر با اصحاب قدرت پیوند خوردند. اسباب پیشرفت فراهم شد. مردان هنر به برکت حمایت اصحاب قدرت، به کفایت و کاردانی، یا بهتر است بگوییم، به منزلت اجتماعی و اقتصادی در خوری دست یافتند و از سده‌ی هفتم هجری به بعد صاحب پایگاه اجتماعی چشمگیری شدند. این مکانت اجتماعی مداومی درازآهنگ و ثباتی طولانی پیدا کرد؛ طوری که به طرح و طرزهای هنری در ادوار مختلف ایران انجامید.

به نظر می‌رسد که صاحبان قلم‌مو (مصوران) با اربابان قلم‌نی (خطاطان) که پس از سده‌ی چهارم هجری صاحب شش قلم یا شش اصل در خطاطی می‌شوند و با اختراع نستعلیق آن را به هفت قلم یا اصل ارتقا می‌دهند، در تقابل و تعامل و رقابت بودند و به نسبت علم و اطلاع خود به کار سامان‌دهی هفت اصل تزئینی پرداختند. منشأ و مصدر شماری از این هفت اصل پس از اسلام مهیا شده بود و کافی بود بازسازی و بازکاوی آگاهانه و همه‌سویه در قاعده‌بندی آن صورت گیرد. به نظر می‌رسد که این قاعده‌بندی از سده‌ی هفتم هجری به بعد که هنرمندان در محور توجه قرار می‌گیرند، مشروعیت می‌یابد و تذکره‌نگار و تصویر و رسانه‌های هنری دیگر از جمله کاشیکاری و قالب‌بافی و ... و غیره جلوه پیدا می‌کند.

با نظر جمعی به منشأ پیدایی این هفت اصل تزئینی، می‌توان مبانی فکری و فرهنگی و جغرافیایی آن‌ها را دریافت. «اسلمی» ریشه در فرهنگ پیس از اسلام ایران داشت و در دوره‌ی اسلامی شکلی کاملاً اسلامی - ایرانی به خود گرفت و اسلمی یا اسلامی نامیده شد. نقش «ختایی» از فرهنگ باستان و ختن، بخشی از سرزمین چین، بود و ایرانیان شور و شوقی جدید بدان بخشیدند و آن را ظریف و خوش‌منظر و خوش‌بیان کردند. ایرانیان «اصل فرنگی» را از فرهنگ بیزانسی که به هر حال نماینده‌ی سلیقه‌ی اروپایی بود، به کار گرفتند و همت خود را برای لطافت و ظرافت‌های آن به کار بستند. ورود مغولان به سرزمین ایران، فرهنگ دوگانه‌ی چینی - چینی را به ارمغان آورد و ره‌آورد هنری این فرهنگ به سلیقه‌ی هنرمندان ایران بهره‌گیری از اصول هفت‌گانه‌ی تزئینی خود بود. لطافت و سماحت آسمانی ابر، زمینه را برای پرورش طبع ظریف هنرمندان ایرانی و پدیداری تصاویری روان و موج از سیمرغ در مقابل اژدهای چینی فراهم ساخت و مصوران با دقت خیال و حسن اندیشه از آن «برمه» یا «ابر ماری» ساختند و حواشی کتب را با آن آراستند. شاید بتوان صفای صوری و لطف را در «اصل واق» به کمال دید و

ریشه‌ی صوری آن را در سواحل آفریقا یا اندونزی و مالزی بازجست. تفنن هنرمندان در این اصل به‌تمامی در کار می‌آید و چهره‌پردازی را با کمال آرمانی می‌آمیزند و قلمی زیبا و دلاویز می‌آفرینند که در نوع خود منحصر به فرد و یگانه است. فراموش نکنیم که بی‌مهری نسبت به چهره‌پردازی در عالم اسلامی بنا به بعضی از محدودیت‌های کلامی، در پرورش و بالاندن این اصل تزئینی بی‌تأثیر نبود.

«گره‌سازی» یا «بندرومی»، گرچه نمونه‌های اولیه در فرهنگ هنری ایران داشت، ریشه‌ی آن را باید در فرهنگ ترکان بازجست. آمدن سلاجقان به ایران و جهان اسلام، تکان‌های چشمگیری در هنر ایران ایجاد کرد. طبیعت‌دوستی و طبیعت‌گرایی آن‌ها راه را برای بهره‌یابی از وجود گوناگون بدیده‌های طبیعت پیش روی هنرمند گشود. هنرمند با بهره‌گیری از این وجوه و تجسم‌های طبیعی به بازنمایی انتزاعی و گاهی واقع‌گرایانه آثار هنری پرداخت؛ فرم‌ها و اشکال هندسی را با لطافت و ملاحظاتی به کار گرفت و از آن همسان اسلیمی، اجزا و ایجاز‌های نامتناهی ساخت و سلیقه‌پدید آورد که تا به امروز در هنرهای تزئینی ایران تداوم یافته است. با یک نگاه به خاستگاه‌های فرهنگی این هفت اصل تزئینی و حتی تصور در ذهن بیدار می‌شود که غرض هنرمندان از بر ساختن این هفت اصل، بین‌المللی ساختن آثار هنری ایران و پدیداری وجوه گوناگون است. فرهنگ‌های ملل مختلف در آثار هنری بوده است. این هفت اصل هنری تمامی آثار هنری ایران از معماری و کتاب‌آرایی تا قالببافی و پارچه‌بافی و صنایع مستظرفه چهره می‌نمود و انسان‌ها را با فرهنگ‌های مختلف رختا و ختن و چین گرفته تا سواحل دریای مدیترانه و شرق آفریقا به خود فرامی‌خواند و در ذوق و سلیقه‌ی آن‌ها مؤثر می‌افتاد. هنرمند این هفت اصل در مناطق دوردست جهان اسلام و حتی جهان غرب را می‌توان از مصداق‌های صحت این قول برشمرد.

تاکنون در باب شناساندن این هفت اصل تزئینی هنر ایران چنان‌که باید پژوهشی یکپارچه و یکدست صورت نگرفته و این مسأله

تا حدودی معلول فقدان شناخت ما از هنر گذشته بر اثر گمگشتگی این هفت اصل در گذر زمان است. هنر ایران با ورود به دنیای مدرن، به‌ویژه از دوره‌ی قاجار به بعد، به‌تدریج بعضی از ظرایف و سوابق بیانی و شکلی خود را از دست داد و در واژگان هنری جدید و مدرن غوطه خورد. به نظر می‌رسد که این دگرگونی و تحول هنر ایران از مکتب هنری اصفهان کلید خورد و در دوره‌ی نسبتاً بی‌ثبات افشاریه و زندیه دچار گسست نیم‌بند از سنت دیرینه شد و در دوره‌ی قاجار که مملکت به ثباتی نسبی رسید، در بند تقابل‌های سنتی و مدرنیست ماند و به‌تدریج در چرخش تاریخ دوره‌ی مشروطه، پیوندش را با سنت گسست و به نوعی دیگر خودنمایی کرد.

پژوهش حاضر در پی احیاء و شناسایی این هفت اصل تزئینی است که از ملاحه‌ی بنیادین توسعه و پیشرفت هنر ما محسوب می‌شود. نگارنده برای شناسایی این اصول هفتگانه، دو منبع و سرچشمه‌ی اساسی در اختیار داشت: یکی متونی که از آن‌ها یاد می‌کنند و دیگری آثار و نگارنده‌ی شکل عینی و فیزیکی این اصول هستند. متونی که اصل هفت اصل یاد می‌کنند نادر و از شمار انگشتان فراتر نمی‌رود؛ به‌ویژه که عنصر تکرار در آن‌ها راه را به بازسازی عینی آن‌ها نمی‌دهد. طوریکه نگارنده در باب بازسازی «اصل فصالی» چندین جنبه را پیش می‌برد که جملگی بازتابی از محتوای عینی و اجرایی این اصل توانایی خود را در شکل عینی و فیزیکی این اصول تا حدودی حق مطلب را ابراز می‌کند و در انواع گوناگون، به‌ویژه پیش از دوره‌ی قاجار، پررنگ و متبوع بود و نگارنده چاره‌ای جز گزینش آن‌ها نداشت.

این اصول هفتگانه در آثار هنری قابل ردگیری تا دوره‌ی قاجار باس اول است. بعضی از آن‌ها از این دوره به بعد، اسم و عنوان جدیدی می‌یابند یا از سنت سابقه‌ی خود فاصله می‌گیرند و به‌تدریج فراموش می‌شوند. هدف نگارنده از این پژوهش، بازکاوی و شناسایی هویت اصولی است که شالوده‌ی هنرهای ایران بدان‌ها استوار بود و

راهبردی از برای مهارت و استادی در هنرهای ایران به‌شمار می‌رفت. حضور این اصول در هنرهای ایران، یک زمانی، بدان‌ها مطبوعیت زیبایی‌شناختی و بین‌المللی می‌بخشید؛ یعنی چیزی که با ورود به دنیای مدرن آن را از دست دادیم یا به سخن دیگر، شرایط آن را از دست ما گرفت.

نایب این اثر را نشر «پیکره» به عهده گرفت که در انتشار پژوهش‌های نری کوشاست. سپاسم را از مدیر این انتشارات، محمدحسن حامدی که خود به دست دلی در عالم پژوهش هنر دارد، ابراز می‌دارم. پاره‌ای از مطالب این کتاب پیش‌تر به صورت طرح تحقیقاتی در دانشگاه تهران اجرا شده بود؛ اما من و دو امتنان خود را از معاونت محترم پژوهشی دانشگاه تهران اظهار می‌کنم. سپاس از این بابت.

ی - آژند

۱۳۹۳

تهران